

به نام خدا

بدون شک مارادونا اسطوره فوتبال جهانه!
جادوگری که از وسط زمین شروع به دریبل زدن بازیکن می‌کنه، سریعاً نزدیک و نزدیک
دروازه می‌شه و ... !gooooooooooal!

حالا برای این که مارادونای کنکورتون باشید، یه سری کتاب جیبی براتون تألیف کردیم
به اسم نکته‌باز!

تو فرایند تألیف کتابای نکته‌باز، هوشمندانه عمل کردیم، این طوری که نکات کاملاً ضروری
کنکور و استراتژی‌های لازم برای حل سؤالات رو، یک جا براتون آوردیم. علاوه بر همه
این‌ها، شما با انتخاب نکته‌باز، می‌تونین در سریع‌ترین زمان ممکن مطالب رو جمع‌بندی
کنین، چون تو این کتابا همه مطالب کنکور به صورت نکته‌محور دسته‌بندی شدن.
در پایان جا داره یه تشکر ویژه کنیم از تیم تألیف و تولید خیلی سبز که بدون زحماتشون،
بدون شک کتابای به این خوبی نداشتیم ...!

مارادونای زندگی‌ت باش ...

مقدمه مؤلف

1 به جمله زیر دقت کنید:

«آرزوها زودگذرند و بسیاری از آن‌ها در طی زمان نابود می‌شوند، بنابراین از زندگی لذت ببر.»
جمله فوق یک جمله معمولی است، سخنی که مشابه آن را روزانه در اطرافمان فراوان می‌شنویم. اکنون همین سخن را به دست حافظ بدهید تا آن را «آرایش» کند:

«بیا که قصر امل^۱، سخت سست‌بنیاد است

بیار باده که بنیادِ عمر بر باد است»

2 در نظر نخست شاید بگویید، این بیت حافظ هم چندان چنگی به دل نمی‌زند، عروسی را که انتظار می‌بردیم چندان جلوه‌گری نمی‌کند. حالا با من همراه شوید، تا بعضی از زیبایی‌های آن را با هم «کشف» کنیم:

الف. «قصر» در این بیت به معنی «کاخ» است و می‌دانیم که «قصر امل» تشبیه است؛ شاعر آرزوها را به کاخی تشبیه کرده که بنیاد استواری ندارد. اما «قصر» معنی دیگری هم دارد: «کوتاهی» و از طرفی، «امل» در معنی دقیق خود به معنی «آرزوی عمر طولانی» است، قصر امل یعنی «کوتاهی آرزوی عمر طولانی!» شاعر بدون این‌که از رنگ تند و چشم‌سوزی در آرایش این بیت استفاده کند، بسیار نرم و پنهان از یک بیان نقیضی بهره برده است. لذت این کشف زمانی دوچندان می‌شود که می‌بینیم شاعر در مصراع دوم هم باز به عمر اشاره‌ای کرده و گویا به مخاطب خود می‌خواهد بگوید ترکیب «قصر امل» در معنی «کوتاه‌بودن آرزوی عمر طولانی» را از سر بخت و اتفاق نساخته است!

ب. «سخت» در این بیت به معنی «خیلی» است و «سخت سست» به معنی «خیلی سست»، حافظ، برای بیان مفهوم «خیلی» از واژه «سخت» استفاده کرده، زیرا علاوه بر انتقال مفهوم با ترکیب «سخت سست» قصد ساختن متناقض‌نما هم داشته، قبول دارید که در «سخت سست» زیبایی نهفته است که در «خیلی سست» هرگز وجود ندارد؟

پ. مفهوم محوری این بیت، گذر عمر و غنیمت‌شمردن لحظات زندگی است؛ در مصراع دوم شاعر بنیاد عمر را بر «باد» می‌بیند و بنیاد چیزی بر باد بودن، یعنی بی‌بنیاد بودن آن چیز. حافظ با آن‌که می‌توانسته از ترکیب‌ها و کنایات متعددی برای ناستواری و بی‌بنیادی استفاده کند، از کنایه «بر باد بودن» استفاده کرده؛ زیرا در مصراع دوم «واج‌آرایی» صامت /ب/ و مصوت /ا/ ذهن منظم و آهنگین شاعر را به سمت واژه «باد» کشانده. در ضمن در مصراع نخست واج‌آرایی صامت /س/ صدای سی‌سی‌وزش «باد» را به ذهن متبادر می‌کند.

ت. تناسب‌های موسیقایی «بیا و بیار»، «باد و باده» و «سخت و سست» در دو مصراع مانند ملودی زیبایی که در پشت صحنه در حال اجراست، واژه‌های این بیت را رقصان و پویا کرده است. آن‌چه آن جمله معمولی آغاز کلام را به شعری زیبا تبدیل کرد و با رستاخیزی، کلمات مرده آن را جان بخشید، چیزی جز آرایه‌ها و نحوه بیان شاعر نیست، آرایه‌ها در واقع ابزارهایی هستند که شاعران برای آراستن اندیشه و تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب خود، از آن بهره می‌برند. در واقع بخش مهمی از لذت ادبی، مدیون قدرت کشف آرایه‌هاست، هر چه قدرت کشف بالاتری داشته باشیم، از متن‌های ادبی، لذت بیشتری می‌بریم.

آرایه‌ها، درسی «مهارت‌محور» است و مانند هر فعالیت مهارت‌محور، بیشتر بار بر دوش دانش‌آموز است، یادگرفتن و حفظ کردن تعاریف چندان فایده‌ای ندارد. بعد از آموختن و به ذهن سپردن تعاریف، به تمرین، تمرین و باز هم تمرین پردازید. بنابراین هنگام مطالعه این کتاب، بیشتر وقت و توان خود را صرف تمرین‌ها کنید.

این کتاب را در شرایط دشواری نوشتیم و هم‌زمان به اصلاح و تألیف چند کتاب مشغول بودم، با وجود همه این‌ها، روزی که این کتاب به من پیشنهاد شد، از بن دل و جان آن را پذیرفتم و همیشه بهترین زمان کاری‌ام را صرف این کتاب می‌کردم و مابقی زمان را صرف مابقی کارها. امیدوارم نتیجه کار رضایت‌بخش باشد و داوطلبان مسابقه عجیب و غریب کنکور، توشه خود را از این کتاب ببرند.

قدردانی

استاد و دوست بزرگوارم جناب دکتر کورش بقایی عزیز، مثل همیشه راهنمای من بودند. بدون هیچ تعارفی، آشنایی و دوستی با ایشان، موهبتی گران‌قدر است که انتشارات خیلی سبز، نصیب من کرد. نگارش این کتاب نتیجه اعتماد دکتر کمیل نصری به بنده است؛ از ایشان بسیار سپاس‌گزارم و امیدوارم از اعتمادشان پشیمان نشده باشند. ویراستاران محترم، سرکار خانم دکتر مینا سعیدی و جناب دکتر سیاوش خوشدل، عیوب ریز و درشت مرا پوشاندند. از دوستان و همکاران پرتلاشم در واحد تولید و تألیف، به‌ویژه خانم طاهری نیز کمال تشکر را دارم. سرکار خانم آرائی، به عنوان مسئول پروژه زحمت زیادی کشیدند، سپاس‌گزار ایشانم. بدون کمک همه این بزرگواران، کتاب بدین صورت و سیرت در نمی‌آمد.

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن
صلحی تو، ای تو سلطان سخن

ابوالفضل غلامی

آذرماه ۱۴۰۱

فهرست مطالب

مقدمه: قالب‌های شعر فارسی ۷

فصل اول: بیان

درس اول: تشبیه ۲۰

درس دوم: مجاز ۳۰

درس سوم: استعاره و انواع آن ۳۶

درس چهارم: کنایه ۴۸

فصل دوم: بدیع لفظی

درس پنجم: واج‌آرایی و واژه‌آرایی ۵۴

درس ششم: سجع و انواع آن ۵۸

درس هفتم: موازنه و ترصیع ۶۳

درس هشتم: جناس و اشتقاق ۶۷

فصل سوم: بدیع معنوی

درس نهم: مراعات نظیر، تلمیح و تضمین ۷۹

درس دهم: تضاد و تناقض ۹۳

درس یازدهم: اغراق و لفّ و نشر ۱۰۰

درس دوازدهم: حس‌آمیزی و حسن تعلیل ۱۰۵

درس سیزدهم: ایهام و ایهام تناسب ۱۱۲

درس چهاردهم: اسلوب معادله ۱۲۳

ضمیمه: آرایه‌های ادبی در یک نگاه ۱۲۸



استعاره و انواع آن

استعاره مصرّحه

هرگاه از یک تشبیه فقط «مشبّه‌به» باقی بماند با استعاره مصرّحه سروکار داریم. احتمالاً برای شما هم پیش آمده که داخل یک میوه‌فروشی رفته‌اید و میوه فروش روی جعبه طالبی نوشته: «عسل»، کیلویی ده هزار تومان! شما فوراً متوجه می‌شوید، که منظور میوه‌فروش از «عسل» واقعاً «عسل» نیست و فقط می‌خواهد بگوید طالبی‌هایش مثل عسل بسیار شیرین است. حالا ببینیم در ذهن میوه‌فروش مثال ما، دقیقاً به لحاظ ادبی چه فعل و انفعالی صورت گرفته:

● این طالبی‌ها (مشبّه) مثل (ادات تشبیه) عسل (مشبّه‌به) شیرین هستند (وجه‌شبهه). ← تشبیه گسترده

● این طالبی‌ها (مشبّه) عسل (مشبّه‌به) هستند. ← تشبیه فشرده

● عسل کیلویی ده هزار تومان ← استعاره مصرّحه

یک نمونه در شعر:

چو تو در خنده شیرین دو چاه از ماه بنمایی

مرا در گریه تلخم دو دریا بر زمین ریزد

وقتی می‌خندی دو چاه (استعاره مصرّحه از چال گونه) از ماه (استعاره

مصرّحه از چهره) نشان می‌دهی؛ سپس من با گریه تلخم، دو دریا

(استعاره مصرّحه از اشک فراوان) بر زمین می‌ریزم.



تست در کدام بیت استعاره به کار رفته است؟

- ۱) من آنم که در پای خوکان نریزم مر این قیمتی دُر لفظِ دری را
- ۲) به نظم اندر آری دروغی طمع را دروغ است سرمایه مر کافری را
- ۳) به علم و به گوهر کنی مدحت آن را که مایه است مر جهل و بدگوهری را
- ۴) اگر شاعری را تو پیشه گرفتی یکی نیز بگرفت خُنیاغری را

پاسخ گزینه ۱ در این گزینه، «خوکان» در معنی استعاری به

کار رفته است. ناصر خسرو می گوید:


من الفاظ ارزشمند فارسی را به پای خوکان نمی ریزم! «خوکان» استعارهٔ مصرّحه از انسان های خوک صفت است.

تست در کدام گزینه آرایهٔ استعاره به کار رفته است؟

- ۱) گهی با من به صلحی گه به جنگی خدا توبه دهادت زین دورنگی
- ۲) به کام دشمنم کردی نه نیکوست که بدکاری است دشمن کامی ای دوست
- ۳) دگر باره جهاندار از سر مهر به گل رخ گفت کای سرو سمن چهر
- ۴) به ناخن سنگ برکنند ز کهسار به از حاجت به نزد ناسزاوار

پاسخ گزینه ۳ در این بیت «سرو» استعاره از یار بلندقامت

است. توجه داشته باشید که در همین بیت «گل رخ» و «سمن چهر» تشبیه هستند، نه استعارهٔ مصرّحه؛ زیرا مشبّه در هر دو مورد وجود دارد. در «گل رخ» رخ به گل و در «سمن چهر» چهره به گل یاسمن تشبیه شده است.

گاهی یک تشبیه در مصراع نخست می آید و سپس شاعر فقط مشبّه به 

همان تشبیه را به صورت استعارهٔ مصرّحه در مصراع دوم می آورد:

خانهٔ دل ما را از کرم عمارت کن پیش از آن این خانه رو نهد به ویرانی
در مصراع نخست شاعر ابتدا در یک تشبیه بلیغ، «دل» را به «خانه» تشبیه کرده است، سپس فقط مشبّه به (= خانه) را در مصراع دوم ساخته است و بدین ترتیب خودش به ما تقلّب رسانده که «خانه» در مصراع دوم استعاره از چیست!

تعریف دیگری هم از استعاره مصرّحه شده است که آن نیز کاملاً درست است: هرگاه واژه‌ای به علت شباهت به جای واژه دیگر به کار رود:

مثال

جهان از شب تیره چون پَر زاغ هم آن گه سر از کوه برزد چراغ
در این بیت شاعر به علت شباهتی که بین خورشید و چراغ وجود دارد، به جای خورشید، چراغ را به کار برده است و چراغ استعاره مصرّحه از خورشید است. این تعریف به ما یادآوری می‌کند که استعاره مصرّحه، نوعی مجاز است که با علاقه شباهت به کار می‌رود اما همان‌طور که در مبحث مجاز گفتیم در کنکور سراسری استعاره مصرّحه را مجاز محسوب نکرده‌اند؛ یعنی اگر در تست‌های کنکور از ما مجاز خواستند، استعاره مصرّحه را نباید مجاز بگیریم، مگر این که مانند نمونه زیر تصریح شود که در پی «مجاز به علاقه شباهت» هستند.

تست در کدام بیت بیشتر از ابیات دیگر از «مجاز به علاقه

شباهت» استفاده شده است؟

- (۱) مرا برف باریده بر پَر زاغ / نشاید چو بلبل تماشای باغ
(۲) به آواز بر جان افراسیاب / بنفرید با نرگس و گل پرآب
(۳) یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران / تنها به قفس ماند، هزاران همه رفتند
(۴) چو تنها ماند ماهِ سروبالا / فشاند از نرگسان لؤلؤ لالا

پاسخ گزینه ۳ همان‌طور که گفتیم «مجاز با علاقه شباهت»

همان استعاره مصرّحه است؛ بنابراین به زبان ساده صورت سؤال از ما خواسته است که ببینیم در کدام بیت استعاره مصرّحه بیشتری به کار رفته است.

بررسی گزینه‌ها گزینه ۱: برف استعاره مصرّحه از موی سپید، زاغ استعاره

مصرّحه از موی سیاه ← ۲ استعاره مصرّحه گزینه ۲: نرگس استعاره مصرّحه از چشم، گل استعاره مصرّحه از صورت ← ۲ استعاره مصرّحه گزینه ۳: مرغ گرفتار استعاره مصرّحه از خود شاعر، گلشن استعاره مصرّحه از جامعه، قفس استعاره مصرّحه از جامعه، هزاران (= بلبل‌ها) استعاره مصرّحه از یاران ← ۴ استعاره مصرّحه گزینه ۴: ماه استعاره مصرّحه از زیبارو، نرگسان استعاره مصرّحه از چشم‌ها، لؤلؤ استعاره مصرّحه از اشک ← ۳ استعاره مصرّحه

استعارهٔ مصرّحه یکی از کلیده‌های مهم ورود به دنیای ادبیات است. برای این‌که در این آرایه، حرفه‌ای شوید، تنها راهش این است که پس از آموختن این مقدمات، تمرین کنید؛ شعر بخوانید و استعاره‌های مصرّحه آن را کشف کنید. ما در این‌جا، شما را با استعاره‌های پرکاربرد و مشهور شعر فارسی آشنا می‌کنیم، اما یادتان باشد صرف حفظ کردن این واژه‌ها کمک زیادی به شما نمی‌کند. بلکه مهم، قدرت تشخیص این است که آیا واژه در معنی استعاری به کار رفته است یا نه.

واژه	معنی لغوی	معنی استعاری	مثال
لعل	سنگی قیمتی سرخ‌رنگ	لب ^۱	من نخواهم کرد ترک «لعل» یار و جام می / زاهدان معذور داریدم که اینم مذهب است
نرگس	نوعی گل	چشم	چو دانست کز مرگ نتوان گریخت / بسی آب خونین ز «نرگس» بریخت
گل	گل سرخ	معشوق یا صورت معشوق	ای «گل» به دست‌مال هوس‌پیشگان مرو / مگذار تا ز دست تو این رنگ و بورود
پسته	از خشکبارهای معروف	دهان	طوطی شکرشکستن دیگر روا ندارد / گر «پسته» ات ببیند وقتی که در کلامی
سنبل	نوعی گل با برگ‌های دراز	زلف	«سنبلت» را بس پریشان‌حال می‌بینم مگر / باد صبح از حال من با وی حدیثی گفته است

۱- در این قسمت معنی استعاری مشهور و پرکاربرد را آوردیم، این واژگان در معانی استعاری دیگری نیز می‌توانند به کار روند؛ مثلاً «لعل» در معانی استعاری اشک خونین، شراب، ... هم به کار رفته است.

واژه	معنی لغوی	معنی استعاری	مثال
سمن (یاسمن)	گلی خوشبو به رنگ سفید	صورت	بر گرد «سمن» زلف میاویز که ما / بیدل شده زلف سمن سای توایم
سرو	نوعی درخت	یار	«سرو» چمان من چرا میل چمن نمی کند / همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند
بُت (صنم)	مجسمه‌های زیبا که پرستش شود.	یار، زیبارو	با زلف «بتان» درازدستی کم کن / «بت» را چه گنه؟ تو «بت» پرستی کم کن!
کاروانسرا	محل استراحت کاروان ها	دنیا	زین «کاروانسرای»، بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد
دام	تله	عشق	خاطر ما را به گفتاری بجوی / ای که از «دامت»، گرفتاری نجست
بادام	از خشکبارهای معروف	چشم	مرا بر قول مطرب گوش و مطرب در سماع / من از «بادام» ساقی مست و ساقی، مست خواب
کمان	وسیله تیراندازی	قامت خمیده ^۱	قد خمیده ما سهلت نماید اما / بر چشم دشمنان تیر، از این «کمان» توان زد
مروارید، دُر	سنگ قیمتی سفیدرنگ	قطره باران، اشک، دندان، سخن ارزشمند	ابر فروردین هر روز همی بارد «دُر» / وان همی گردد گوهر به دل خاک اندر
مُشک	نوعی عطر سیاه‌رنگ	زلف	آن کیست که پیرامن خورشید جمالش / از «مُشک» سیه، دایره نیمه کشیده؟
قفس	محل نگهداری و اسارت پرنده	دنیا، جسم	چنین «قفس» نه سزای چون من خوش‌الحانی است / روم به روضه رضوان، که مرغ آن چمنم

۱- البته گاهی استعاره از ابرو

واژه	معنی لغوی	معنی استعاری	مثال
شکر	ماده‌ای شیرین که از نیشکر یا چغندر قند می‌گیرند	لب و دهان	زیر لب با ما حدیثی گو، که این بیمار را / مدتی شد کارزوی شربتی زان «شکر» است
دانه	بذر	خال	رخ خوب و خال سیاهش نگر / سیه‌دانه بر طرف ماهش نگر
خورشید	سیاره‌ای مشهور	یار یا چهره یار	شکنج موی تو آورد ماه را در دام / کمند زلف تو «خورشید» را شکار گرفت
قمر یا ماه	سیاره‌ای مشهور	یار یا چهره یار	شکنج موی تو آورد «ماه» را در دام / کمند زلف تو خورشید را شکار گرفت
تیر	وسيله‌ای جنگی که با کمان پرتاب می‌شود.	مژه	چشم آن تُرک عجب «تیر» و کمائی دارد / پیش آن «تیر» سپر زود بینداز ای دل
یاقوت	سنگ قیمتی قرمز رنگ	لب یا اشک خونین	«یاقوت» روان بخش تو تا قوت روان است / چشمم ز غمت چشمه «یاقوت» روان است
شب	زمانی که خورشید در آسمان نیست.	زلف سیاه	دیشب درآمد آن بت مهروی «شب» نقاب / بر مه کشید چنبر و در «شب» فکند تاب
لاله	نوعی گل سرخ‌رنگ	صورت یار	ماه را از شکن سنبل شبگون بنمای / «لاله» را این‌همه در سایه ریحان مگذار
ریحان	از سبزیجات معطر	زلف	ماه را از شکن سنبل شبگون بنمای / لاله را این‌همه در سایه «ریحان» مگذار
عنبر	نوعی عطر سیاه‌رنگ	زلف	بگذار که شگرت ببوسم / پیش آی که «عنبرت» ببویم

(هنر ۱۴۰۰)

در کدام گزینه تعداد استعاره بیشتر است؟

تست



- (۱) ماهم از شب سایبان بر آفتاب انداخته است
سروم از ریحان تر، بر گل نقاب انداخته است
- (۲) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است
نقطه‌ای بر شکر افکنده که این مِهْرهٔ مار است
- (۳) لؤلؤ از پستهٔ خود ریخته کاین چیست؟ حدیث است
لاله در مُشک نهان کرده که این چیست؟ عذار است
- (۴) بر طرف مه نشانده سیاهی که سنبل است
بر برگ گل فشانده غباری که عنبر است

گزینهٔ «۱»: ۱- ماه استعارهٔ

بهرسی گزینه‌ها

گزینهٔ ۱

پاسخ



مصرّحه از معشوق ۲- شب استعارهٔ مصرّحه از زلف سیاه ۳- آفتاب استعارهٔ مصرّحه از صورت یار ۴- سرو استعارهٔ مصرّحه از یار ۵- ریحان تر استعارهٔ مصرّحه از زلف ۶- گل استعارهٔ مصرّحه از صورت یار **گزینهٔ «۲»**: ۱- رشته استعارهٔ مصرّحه از زلف ۲- قمر استعارهٔ مصرّحه از چهرهٔ یار ۳- نقطه استعارهٔ مصرّحه از خال ۴- شکر استعارهٔ مصرّحه از لب **گزینهٔ «۳»**: ۱- پسته استعارهٔ مصرّحه از دهان ۲- مُشک استعارهٔ مصرّحه از زلف **گزینهٔ «۴»**: ۱- مه استعارهٔ مصرّحه از چهره ۲- سنبل استعارهٔ مصرّحه از زلف ۳- برگ گل استعارهٔ مصرّحه از چهره ۴- عنبر استعارهٔ مصرّحه از زلف

در گزینهٔ (۳) «لؤلؤ» و «لاله» استعاره نیستند، زیرا مشبه آن‌ها؛ یعنی «حدیث» و «عذار» در بیت وجود دارد.

استعارهٔ مکنیه

۳۹

هرگاه از یک تشبیه فقط «مشبه» + «یکی از ویژگی‌های مشبه‌به» باقی بماند با «استعارهٔ مکنیه» سروکار داریم. به جملهٔ «عشق بال‌های خود را گشوده بود.» دقت کنید. اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد این است که عشق بال ندارد! کاملاً حق با شماست، عشق بال ندارد. حال ببینیم در ذهن گوینده چه اتفاقی رخ داده که نهایتاً جمله را به شکل «عشق،

بال‌هایش را گشوده بود.» به ما عرضه کرده است:

● عشق (مشبّه) مثل (ادات) پرنده (مشبّه‌به) بالش را گشوده بود. ←
تشبیه گسترده

● عشق (مشبّه)، پرنده (مشبّه‌به) است. ← تشبیه فشرده

● عشق (مشبّه) بال‌های (یکی از ویژگی‌های مشبّه‌به) خود را گشوده بود. ← استعارهٔ مکنّیه
یک نمونهٔ دیگر:

مگر به تیغ اجل خیمه برکنم ورنه رمیدن از در دولت نه رسم و نه راه من است
به ترکیب «در دولت» دقت کنید. دولت به خانه‌ای تشبیه شده که «در» دارد. سپس خانه (= مشبّه‌به) حذف شده و یکی از ویژگی‌های خانه (یعنی «در») آمده؛ پس «دولت» (= مشبّه) + «در» (= ویژگی مشبّه‌به محذوف) شده و استعارهٔ مکنّیه پدید آمده است.

تست در کدام گزینه «استعارهٔ مکنّیه» به کار رفته است؟ (انسانی ۸۴)

۱) در این بازار اگر سودی است بادرویش خرسند است

خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی

۲) فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید

شرمنده روهروی که عمل بر مجاز کرد

۳) در آفاق گشاده است، ولیکن بسته است

از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر

۴) گل بخندید و باغ شد پدرام

ای خوشا این جهان بدین هنگام

پاسخ گزینه ۱ در این گزینه «بازار» استعارهٔ مصرّحه از دنیا است.

بررسی استعارهٔ مکنّیه در سایر گزینه‌ها: **گزینهٔ ۲**: پیشگاه حقیقت

(پیشگاه بخشی از خانه است). **گزینهٔ ۳**: در ترکیب «در آفاق» استعارهٔ

مکنّیه به کار رفته، آفاق به خانه‌ای تشبیه شده که در دارد. **گزینهٔ ۴**:

خندیدن گل، استعارهٔ مکنّیه دارد. ابتدا گل به انسان تشبیه شده؛ سپس

انسان حذف شده و یکی از ویژگی‌های آن آمده است: گل بخندید.

در استعارهٔ مکنیه گاهی مشبّه به محذوف، انسان است؛ یعنی استعارهٔ مکنیه با این فرمول ساخته شده است: «مشبّه + یکی از ویژگی‌های انسان» به این نوع استعارهٔ مکنیه اصطلاحاً «تشخیص» هم می‌گویند:

ریشه در خاک تعلق نیست اهل شوق را می‌رود بیرون ز دنیا پای کوبان گِردباد
 گردباد = مشبّه + پای کوبی کردن = ویژگی انسان ← استعارهٔ مکنیه
 از نوع تشخیص

گفت‌وگو با غیرانسان

هرگاه موجودی غیرانسانی مخاطب قرار گیرد، با تشخیص مواجهیم؛ زیرا در عالم واقع فقط انسان‌ها مخاطب قرار می‌گیرند:

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟

تست در کدام بیت، «تشخیص» مشهود نیست؟

- (۱) این سربه مهر نامه بدان مهربان رسان / کس را خبر مکن که کجا می‌فرستمت
 (۲) ای صبحدم ببین که کجایم فرستمت / نزدیک آفتاب وفا می‌فرستمت
 (۳) باد صباد روغ زن است و تور است گوی / آن جا به رغم باد صبا می‌فرستمت
 (۴) دستِ هوا به رشتهٔ جان بر گره زده است / نزد گره‌گشای هوا می‌فرستمت

پاسخ گزینه ۱ در گزینهٔ (۲) شاعر، صبحدم را مورد خطاب قرار داده و با او سخن گفته است، در گزینهٔ (۳) شاعر، باد صبا را دروغگو می‌داند و در گزینهٔ (۴) «دستِ هوا» تشخیص است.

تشخیص و استعاره

همان طور که دیدید، «تشخیص» نوعی استعارهٔ مکنیه است و استعارهٔ مکنیه هم نوعی استعاره است؛ پس به خاطر داشته باشید که «تشخیص»

نوعی استعاره است». یعنی اگر در صورت سؤال از ما بپرسند در کدام گزینه استعاره وجود دارد، لزوماً نباید در پی استعاره مصرّحه باشیم؛ بلکه امکان دارد منظور طراح از استعاره، تشخیص باشد.

تست در همه گزینه‌ها به استثنای گزینه «استعاره» به کار رفته است.

- (۱) با تکلف زندگی کردن در این مهمان‌سرا
- (۲) بر خود و بر دوستداران، کار مشکل کردن است
- (۳) یک نقطه موهوم سخن‌گوی نمودی
- (۴) در دایره ماه، که این هست دهانی
- (۳) ملامت مرد عاشق را چو باد اندر قفس باشد
- (۴) کجا در گوش جان گیرد مرا زین‌گونه افسانه؟
- (۴) گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است
- چشمم همه بر لعل لب و گردش جام است

پاسخ گزینه ۴ در گزینه (۱) «مهمان‌سرا» استعاره مصرّحه از دنیا، در گزینه (۲) «دایره ماه» استعاره مصرّحه از صورت زیبای معشوق است. در گزینه (۳) «گوش جان» تشخیص دارد و هر تشخیص هم استعاره مکنیه است. در گزینه (۴) هیچ‌کدام از انواع استعاره‌ها دیده نمی‌شود.

افزافه استعاری

۴۳


گاهی اوقات ویژگی یا صفت مشبّه‌به محذوف، با یک کسره به مشبّه اضافه می‌شود، به این نوع اضافه «افزافه استعاری» می‌گویند:
لبخند گل - شکفتن خورشید - پرواز روح

افزافه استعاری و استعاره مکنیه


۴۴

توجه داشته باشید که «افزافه استعاری» یک آرایه جدید نیست، بلکه همان استعاره مکنیه است. به زبان ساده هر دوی این موارد استعاره مکنیه هستند:

❶ خورشید می خندد ❷ لبخندِ خورشید زیباست.
منتها به مثال دوم، علاوه بر استعارهٔ مکنیه، به علت اضافه شدن «خورشید» به «لبخند» می توانیم اضافهٔ استعاری هم بگوییم.

تست  در کدام گزینه همهٔ ترکیب‌ها «اضافهٔ استعاری» هستند؟

- ۱) عتاب معلّم - مرغان بیشه - صفحهٔ ضمیر - امید دیدار
- ۲) سر خویش - لطافت طبع - زبان تدریس - فرقت یار
- ۳) آفتاب وفا - صدای شاگردان - بانگ طرب - خار غم
- ۴) شتاب مرگ - طرّهٔ پرچین عشق - قفای مراقبت - گریبان مکاشفت

پاسخ  **گزینهٔ ۲** بررسی ترکیب‌های گزینهٔ (۴): شتاب مرگ (مرگ مانند انسانی شتاب دارد). - طرّهٔ پرچین عشق (عشق مانند انسان طرّه (= موی جلوی پیشانی) دارد). - قفای مراقبت (مراقبت مانند انسان قفا (= پشت گردن) دارد - گریبان مکاشفت (مکاشفت مانند لباس گریبان دارد).

استعارهٔ مصرّحه و تشخیص

۴۵

هرگاه یک موجود غیرانسانی، استعارهٔ مصرّحه از انسان باشد، خطاب قرار دادن آن موجود تشخیص نمی‌سازد:

ای گل! به پایمال هوس پیشگان مرو مگذار تا ز دست تو این رنگ و بو رود
در این بیت «گل» استعاره از معشوق است و شاعر به معشوق خود توصیه می‌کند به سراغ انسان‌های هوس‌پیشه نرود. هرچند شاعر «گل» را خطاب قرار داده؛ ولی در این بیت تشخیص نداریم؛ زیرا شاعر در واقع یک انسان را مخاطب قرار داده است.

تست در کدام بیت آرایه‌های «استعاره مکنیه» و «استعاره مصرّحه»

(انسانی ۹۴)

وجود دارد؟

- ۱) صبحدم چون گل به شگر خنده بگشاید دهن
از خروش و ناله مرغ سحرخوان چاره نیست
- ۲) پیش رویش ز آتش دل سوختم پروانه‌وار
زان که شمعی چون رخس در مجلس اصحاب نیست
- ۳) چون گل صدبرگ بزم خسروانی ساز کرد
بلبل خوش‌نغمه آهنگ هزارآوا گرفت
- ۴) ابر را بنگر که لاف درفشانی می‌زند
بس که از چشمم به دامن لؤلؤ لالا گرفت

پاسخ گزینه ۴ در این گزینه «لاف‌زدن ابر» تشخیص دارد و

می‌دانیم که تشخیص نوعی استعاره مکنیه است. از طرفی «لؤلؤ» در مصراع دوم استعاره مصرّحه از اشک است.

بررسی سایر گزینه‌ها گزینه ۱: استعاره مکنیه: دهن داشتن گل، استعاره

مصرّحه: ندارد. گزینه ۲: استعاره مکنیه: ندارد، استعاره مصرّحه: ندارد.

گزینه ۳: استعاره مکنیه: بزم برپا داشتن گل، استعاره مصرّحه: ندارد.

تست در کدام بیت، تعداد «استعاره» بیشتر از ابیات دیگر است؟

- ۱) پرتو خورشید عشق بر همه افتد ولیک
سنگ به یک نوع نیست تا همه گوهر شود
- ۲) یک سر به پای همت از این دامگاه دیو
چون مرغ برپرید و مقر بر قمر کنید
- ۳) به خنده‌ای بت بادام چشم شیرین لب
شکر بریزد از آن پسته دهان که تورا ست
- ۴) چون بگویی، بفشانی گهر از حقه لعل
چون بخندی بنمایی ز شکر مروارید

پاسخ گزینه ۴ در این گزینه چهار استعاره به کار رفته است:

۱- «گوهر» استعاره مصرّحه از سخنان ارزشمند ۲- «حقه لعل» استعاره

مصرّحه از دهان ۳- «شکر» استعاره مصرّحه از لب ۴- «مروارید»

استعاره مصرّحه از دندان.

بررسی سایر گزینه‌ها گزینه ۱: استعاره ندارد. گزینه ۲: «پای همت»

تشخیص و استعاره مکنیه است، «دامگاه دیو» استعاره مصرّحه از «دنیا» گزینه ۳:

«بت» استعاره مصرّحه از معشوق، «شکر» استعاره مصرّحه از لطف و ملاحظت